

۸۷ - قناعت ، رضا ، سکون ، واستغناء¹

از حضرت بهاءالله در کلمات مکنونه است قوله **جلّ و عزّ**: اصل العزّة هی قناعتُ العبد بما رُزق به و الاكتفاء بما قُدّر له .

و قوله عزّ و علا :

به کمال استغناء و سکون ما بین بریّه مشی نمائید و با کمال عدل و انصاف با یکدیگر معامله کنید .

¹ فی الحدیث : القانع غنیّ و ان جاع و عری و من قنع استراح من اهل زمانه و استطال علی اقرانه و من قنع فقد اختار الغنی علی الذلّ و الراحة علی التعب القناعة کثر لا ینفد عزّ من قنع ذلّ من طمع . اهورامزدا اندک چیزی را برای اسراف نیافریده دختری که پنبه میریسد اگر ذره از آن را تلف کند خطا است . (وندیداد - فر کرد هر قفرة ۶۰) از دولتمندان ، بینوا کسی است که به آنچه دارد خرسند نباشد و از بینویان ، آن کسی دولتمند است که به هر چه دارد سازگار و خرسند باشد .